**نقش زن در خانواده از دیدگاه قرآن**

پدید آورنده : هادی حسین خانی ، صفحه 23

|  |
| --- |
| **حفظ آرامش در خانواده**  ایجاد سکون و آرامش همسران در کنار یکدیگر، یکی از اهداف مهم ازدواج برشمرده شده است. وجود صفا، یک رنگی و صمیمیت در خانواده، علامت توفیق ازدواج در رسیدن به اصلی ترین هدف بوده و نشانه آن است که زن و مرد هر دو به وظایف خود در برابر همسر، عمل می کنند. در این میان، با توجه به وجود عواطف بسیار قوی در زنان، نقش آنان در تأمین بهداشت روانی خانواده چشم گیرتر است. زن می تواند روحیه خسته و ناامید همسرش را در برابر مشکلات تغییر دهد و یا دست کم، سنگ صبور ناراحتی ها و آلام او باشد.1 هم چنان که می تواند در تضعیف روحیه همسرش نقش مؤثری داشته باشد و حداقل او را از خود رنجانده و آزرده خاطر ساخته و موجبات تزلزل نظام خانواده را فراهم کند.  هنگامی که پارسایی و خلوص ایوب پیامبر (علیه السلام) بر شیطان، گران آمد، از خداوند درخواست کرد که به او اجازه دهد ایوب را بیازماید. خداوند اجازه داد و از سه سو باران بلا بر سر ایوب بارید. نخست مال، سپس خانواده و در آخر، تنش در معرض بلا افتاد. ابلیس هم چنان در ادامه آزار دادن ایوب، این بار به کمک عفریت های تحت فرمانش، کوشید تعداد بسیار کم وفاداران به ایوب را نیز وسوسه کند تا دست از پشتیبانی او بردارند. همسر ایوب نیز که در همه این صحنه ها همراه و پشتیبان او بود، در برابر این وسوسه شیطان که گفت: «اگر خدا ایوب را دوست می داشت، او را به این مصایب مبتلا نمی ساخت»، نتوانست مقاومت کند و به جای دلداری دادن به همسر، القائات ابلیس را به او منتقل کرد. ایوب که از این سخنان ملال آور و پذیرش وسوسه های شیطان، بیش از آن بلاها ناراحت شده بود، قسم یاد کرد که اگر خداوند او را شفا داد، همسرش را با ضرباتی تأدیب نماید.2 خداوند متعال ایوب را شفا داد و او را به وفا به عهدی که با خدا بسته بود فرا خواند، ولی به پاس حمایت های بی دریغ این زن فداکار از همسرش، دستور داد تا ایوب به جای ضربات متعدد تازیانه، دسته ای چوب ترکه در دست بگیرد و تنها یک بار به همسرش بزند.3 در واقع، قرآن کریم با تأیید این عهد، ناخشنودی خود را از ترک پشتیبانی مقطعی آن زن از همسرش (که تحت تأثیر القائات شیطانی بود) اعلام کرد و با تخفیف بسیار زیادی که برای مجازات او قائل شد، رضایت خود را از پشتیبانی او از همسرش در مراحل مختلف ابراز نمود.  نمونه دیگری از آزردن همسر و برخورد قرآن با این شیوه رفتاری را در اولین آیه سوره تحریم مشاهده می کنیم:  «یا أیّها النَّبیُ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللّهُ لَکَ تَبتَغِی مَرضاتِ أَزواجِکَ... »  ای پیامبر! چرا در طلب خشنودی (بعضی از) همسرانت چیزی را که خداوند بر تو حلال گردانده است، تحریم می کنی؟  جمله «آیا خشنودی همسرانت را می خواهی»، بر این اشاره دارد که آن چه آن حضرت برخود حرام کرده، عملی حلال بوده4 و بعضی از همسرانش از آن عمل ناراضی بودند و آن قدر آن حضرت را در مضیقه قرار دادند و اذیت کردند تا ناگزیر شد سوگند بخورد که دیگر آن عمل را انجام ندهد.5 خداوند ضمن دلسوزی برای پیامبر(صلی الله علیه وآله) که چرا حلالی را بر خود حرام کرده است و آن در حقیقت در اثر عتاب و سرزنش زنانی بوده که آن بزرگوار را آزرده اند، پیامبر را به شکستن این سوگند فرا می خواند و اعلام می دارد که حسد ورزی نکوهیده گروهی از زنان، نباید مانع برخورداری آن حضرت از حلال الهی گردد: «قَد فَرَضَ اللّهُ لَکُم تَحِلَّةَ أَیمانِکُم» (تحریم/2)  به راستی که خداوند شکستن سوگندهایتان را (با دادن کفاره) بر شما روا داشته است.  نکته جالب توجه در داستان قَسَم ایوب (علیه السلام) و سوگند رسول خدا(صلی الله علیه وآله) آن است که در مورد ایوب، خداوند به دلیل آن که همسرش تحت تأثیر وسوسه شیطان واقع شد، سوگند او را تأیید نمود، ولی همسرش را مستحق تخفیف مجازات دانست و در داستان رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) که آن حضرت برای خشنودی برخی از همسرانش و رهایی از آزار آنان چیزی را بر خود حرام کرده بود، آن جناب را به شکستن قسم و پیروی نکردن از خواسته نفسانی آنان فرا خوانده است.  از مقایسه این دو حکم مختلف، مبنی بر عمل به عهد در داستان ایوب و شکستن آن در داستان پیامبر، مشخص می شود که مهم ترین اصل در محیط خانواده، احترام به همسر و پرهیز از ارتکاب اعمالی است که آزردگی خاطر و ناراحتی او را به دنبال دارد. از این رو، ایوب باید به سوگندی که درباره مجازات سخن همسرش خورده وفا نموده و حتی آن را به شکلی بسیار خفیف به مرحله اجرا درآورد، ولی پیامبر، لازم نیست به سوگندی که در پی آزار و اذیت زنانش یاد کرده، وفادار بماند و امر مباحی را بر خود حرام گرداند.  هم چنان که در آغاز این بحث گفته شد، زن با جلب اعتماد همسرش می تواند محرم اسرار او گردد و در این صورت، حتی اگر نتواند در حل مشکلات او را یاری کند، می تواند سنگ صبور همسرش باشد و با شنیدن درد دل او و پوشیده داشتن رازهایش، مرهمی بر غم او نهد. همان گونه که اگر رازدار اسرار شوهرش نباشد، ضمن تشدید دلسردی و افسردگی وی، تزلزل نظام خانواده را نیز موجب می شود.  آن جا که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) رازی را با یکی از همسرانش در میان نهاد و او آن راز را برای یکی دیگر از زنان افشا کرد، خداوند متعال، ضمن برخورد شدید با آنان، خاطر نشان ساخت که اگر به این توطئه ادامه دهند و با فاش کردن اسرار آن بزرگوار در پی ضربه زدن به شخصیت او برآیند، آن حضرت آنان را طلاق می دهد و همسرانی اختیار خواهد کرد که غمخوار و رازدار رسول خدا (صلی الله علیه وآله) باشند. قرآن کریم عمل زشت افشای اسرار رسول خدا را تا آن جا ناپسند دانست که در پایان همین سوره با اشاره به داستان خیانت6 همسران نوح و لوط به این بندگان شایسته الهی، رفتار ناپسند همسران پیامبر را با خیانت آن زنان مقایسه کرد و با تعریض به آنان فهماند که ارتباط با رسول خدا مانع عذاب خدا نخواهد شد.  «ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً لِلَّذینَ کَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ کانَتا تَحتَ عَبدَیْنِ مِنْ عِبادِنا صالِحینَ فَخانَتاهُما فَلَم یُغنِیا عَنهُما مِنَ اللّهِ شَیئاً وَ قِیلَ ادْخُلا النّارَ مَعَ الدّاخِلینَ»(تحریم/ 10)  خداوند درباره کافران مثلی می زند و آن همسر نوح است و همسر لوط که در حباله دو بنده از بندگان شایسته ما بودند، سپس به ایشان خیانت کردند و آن دو (پیامبر) در برابر امر (و عذاب) الهی چیزی را از آنان باز نداشتند و [به آن دو زن] گفته شود: همراه سایر وارد شوندگان وارد جهنم شوید.  **خانه داری**  نقش زن در اداره امور منزل از اهمیت خاصی برخوردار است و اگر چه از نظر حقوقی تکلیفی در این زمینه متوجه زن نیست،7 ولی فضای عشق و صفا و محبت خانواده اقتضا می کند که زنان همدوش مردان برای ایجاد رفاه و آسایش خانواده تلاش کنند و با حسن سلیقه که برخاسته از روحیه مهربان و هنرمند آنان است، کانونی آراسته برای پرورش نسل آینده فراهم کنند.8  در الگویی که قرآن کریم برای خانه داری بانوان ارائه می دهد، به طور مشخص بر نحوه پذیرایی آنان از میهمان تأکید می کند و با بیان داستان ورود فرشتگان به منزل ابراهیم(علیه السلام)، نمونه های روشنی از جلوه های رفتاری یک زن خانه دار به نمایش درمی آید. در سوره هود در مورد این داستان چنین آمده است:  «وَ لَقَد جاءَت رُسُلُنا إبراهِیمَ بِالبُشری قالُوا سَلاماً قالَ سَلامٌ فَما لَبِثَ أَن جاءَ بعِجلٍ حَنیذٍ فَلَمّا رَءَا أَیدِیَهم لا تَصِلُ إلَیهِ نَکِرَهُم وَ أَوجَسَ مِنهُم خِیفَةً قالُوا لا تَخَف إنّا أُرسِلنَا إلی قَومِ لُوطٍ وَ امْرَأَتُهُ قائِمَةٌ فَضَحِکَت فَبَشَّرناها بِإِسحاقَ وَ مِن وَراءِ إسحاقَ یَعقُوبَ» (هود/ 69-71)  و فرشتگان ما برای ابراهیم بشارت آورند، گفتند: سلام. گفت: سلام و چیزی نگذشت که ابراهیم برای آنان گوساله ای بریان شده آورد. و چون دید که دستانشان به سوی آن دراز نمی شود، به آنان احساس بیگانگی کرد و از آنان ترسی در دل یافت. گفتند: مترس ما به سوی قوم لوط فرستاده شده ایم. و همسر او ایستاده بود و (از بشارت الهی) خندید، آن گاه او را به (بارگرفتن و زادن) اسحاق و پس از اسحاق، به یعقوب بشارت دادیم.  در سوره ذاریات نیز همین مضمون وارد شده که به خاطر تفاوت تعابیر بخش اول آیات به آن اشاره می شود: «هَلْ أتیکَ حَدیثُ ضَیفِ إبراهِیمَ المُکرَمینَ إذْ دَخَلُوا عَلَیهِ فَقالُوا سَلاماً قالَ سلامٌ قَومٌ مُنکِرُونَ فَراغَ إلی أَهلِهِ فَجاءَ بِعِجلٍ سَمینٍ» (ذاریات/ 24-26)  آیا داستان مهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟ که چون بر او وارد شدند، گفتند: سلام. گفت: سلام (و در دل گفت ایشان) گروهی ناشناخته اند. سپس به خانواده اش روی کرد، آن گاه گوساله ای فربه به میان آورد... .  از بررسی این داستان، نکات برجسته ای در مورد خانه داری همسر ابراهیم (علیه السلام) برداشت می شود. از این که فرمود: «فراغَ إلی أهله فَجاءَ...»، این چنین برداشت می شود که کار پختن آن گوساله بریان توسط همسرش انجام شده9 و بریان کردن آن گوساله در مدت زمانی اندک10 و بدون کمترین درنگ، نشانه سرعت عمل اوست. هم چنان که تعبیرات «سمین» و «حنیذ» نشان گر مهارت و حسن سلیقه او در آشپزی است؛ زیرا معلوم می شود نخست این که آن گوساله، فربه و بزرگ بوده و دوم این که روی سنگ سرخ شده با آتش، کباب شده که هم از نظر بهداشتی بهتر از گوشتی است که روی حرارت مستقیم آتش کباب شود و هم از نظر طعم لذیذتر از آن است.11  **انجام امور منزل حتی در سن کهولت**  داستان مهمان گرامی حضرت ابراهیم(علیه السلام) بر این نکته دلالت دارد که همسر ایشان حتی در سنین کهن سالی نیز اداره مسؤولیت های منزل را عهده دار بوده است؛ زیرا پس از عرضه کردن آن غذا و امتناع آنان از خوردن، ابراهیم(علیه السلام) را به فرزندی دانا بشارت دادند. آن گاه زنش با آوایی بلند رو کرد و بر چهره اش سیلی زد و گفت: (چگونه فرزند بزایم من) پیر زنی عقیم هستم؟12 از این جا می توان دریافت که همسر ابراهیم در آن زمانی پیر زنی بوده و در بعضی اخبار، او را نود و هشت یا نود و نه ساله معرفی نموده اند.13  **پذیرایی از میهمان**  پس از آن که فرشتگان الهی، ابراهیم را از مأموریت خود در مورد قوم لوط آگاه ساختند، قرآن کریم فرمود: «وامرأته قائمة...» ؛ و همسر او ایستاده بود... .  بعضی از مفسران قیام ساره را ایستادن برای انجام امور پذیرایی از میهمانان دانسته اند.14 این مطلب از سرعت پختن غذا و فرستادن آن برای مهمانان ابراهیم(علیه السلام) نیز فهمیده می شود.  هم چنین داستان پذیرایی ابراهیم و همسرش از میهمانان، بیانگر این نکته نیز هست که یکی از آداب مهمان داری آن است که غذا را هر چه زودتر برای او آماده کند؛ زیرا وقتی مهمان از راه می رسد، به خصوص اگر مسافر باشد، غالباً خسته و گرسنه است؛ هم نیاز به غذا دارد و هم نیاز به استراحت. باید زودتر غذای او را آماده کنند تا بتواند استراحت کند. خدای متعال تعجیل ابراهیم و همسرش در پذیرایی از مهمانان را پسندید و با گفتن جمله «فما لبث أن جاء بعجل حنیذ» از آنان تجلیل نمود و پس از این واقعه، تسریع در پذیرایی از مهمان سنت گشت.15  **سخاوت در مهمان داری**  در خبر است که این فرشتگان به صورتی بر ابراهیم(علیه السلام) وارد شدند که چشم ها مانند ایشان ندیده بود و با خوی خوش و بوی خوش و روی نیکو بر ابراهیم سلام کردند و گفتند: یا خلیل الله! مهمان می خواهی؟ گفت: چگونه نخواهم؟ ایشان را به خانه برد و بنشاند و به ساره گفت: برای من امروز مهمانانی آمده اند که در عمر خویش از ایشان نکو روی تر و نکو خوی تر و خوش سخن تر ندیده ام. برای ایشان طعامی بیار. ساره گفت: این وقت هیچ طعامی حاضر نیست، مگر آن که گفت: مرا گوساله ای فربه هست که مانند کسی که فرزند ندارد، آن را پرورده ام و دست آن را حنا بسته و بر گردنش زنگ و مهره افکنده ام. ابراهیم بفرمود تا آن را کشته، بریان نموده و به سرعت پیش ایشان بردند.16  سخاوت این خانواده نیز مورد قبول حق قرار گرفت و با جمله «فراغ الی اهله فجاء بعجل سمین» آن را پاس داشت.17  **پرهیز از زن سالاری در خانواده**  قرآن کریم با تأکید بر این که در رسیدن به حیات طیبه فقط دو چیز نقش دارد: یکی حسن فعلی به نام «عمل صالح» و دیگری حسن فاعلی به نام «مؤمن بودن روح»، مؤنث یا مذکر بودن را در آن مؤثر نمی داند:  «مَن عَمِلَ صالِحاً مِن ذَکَرٍ أَو أُنثی وَ هُوَ مُؤمِنٌ فَلَنُحیِیَنَّهُ حَیاةً طَیِّبَةً...»(نحل/ 97)  هر کس از مرد یا زن که کار نیک کند و مؤمن باشد، به زندگانی پاک و پسندیده ای زنده اش می داریم...  بنابراین، تنها معیار و ملاک تقرب به خدا تقوای الهی است که «إنَّ أَکرَمَکُم عِنْدَ اللّه أَتقکُم»18 و در این مسأله نیز میان زن و مرد فرقی نیست. ولی خداوند حکیم برای آن که محیط خانواده به بهترین وجهی اداره گردد، از آن رو که مرد مخارج زن را تأمین می کند و نیز به آن دلیل که مسائل اجتماعی و اقتصادی و تلاش و کوشش برای به دست آوردن مال و تأمین نیازمندی های منزل و اداره زندگی را مرد بهتر به عهده می گیرد، سرپرستی امور منزل را نیز به عهده مرد گذاشته است.19 اما این چنین نیست که از این سرپرستی بخواهد مزیتی به دست آورد و بگوید من چون سرپرست هستم، افضل هستم؛ بلکه این کار، کار اجرایی بوده و وظیفه است نه فضیلت. هم چنان که در اداره ای ممکن است کارمند تحت امر مسؤول ما فوق، افضل از او و نزدیکتر از او به خدا باشد، ولی به خاطر مدیریت قوی تر، مسؤولیت به عهده دیگری گذاشته شود. این نیز روشن است که آن جا که سخن از تسلط مرد بر زن است، مراد سرپرستی شوهر بر زن است، نه سرپرستی جنس مرد بر جنس زن، زیرا استدلال آیه 34 سوره نساء این است که «و بما أنفقوا من اموالهم» و این شوهر است که نفقه همسرش را تأمین می کند.  اکنون که مسؤولیت مرد در منزل و حکمت آن روشن شد، مشخص می شود که اگر زنی بخواهد بر شوهر خود سلطه یابد و او را به انجام خواسته های نادرست خود وادارد، از نظر قرآن مرتکب رفتاری نکوهیده شده است.  هنگامی که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) غنایم جنگ خیبر را به دستور خدای تعالی بین مسلمانان تقسیم نمود، همسران آن جناب از او خشمگین شدند، اطراف ایشان تجمع نمودند و درخواست نفقه کردند. در این هنگام، ابوبکر به سوی دخترش عایشه و عمر به سوی دخترش حفصه رفتند تا آنان را تأدیب نمایند. ابوبکر و عمر به دخترانشان گفتند: از پیامبر(صلی الله علیه وآله) چیزی می خواهید که در نزدش نیست؟  رسول خدا(صلی الله علیه وآله) آنان را از زدن همسرانش بازداشت و آنان نیز سوگند یاد کردند که دیگر چیزی را که در اختیار رسول نیست، از او نخواهند.20 آنان با این سخن خود، به آزار و اذیت رسول خدا(صلی الله علیه وآله) اعتراف کردند.  مورد دیگر نیز فشار بعضی از همسران آن حضرت برای تحریم چیز حلالی بر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود که خداوند ضمن نکوهش زن سالاری آنان، پیامبر را به شکستن سوگند خود و عمل ننمودن به خواسته نادرست همسرانش فرا خواند.21  از ذکر موارد بالا که زنان خواستار تسلط بر همسر خود در امور خانواده بودند و در پی آن بودند که همسرشان بر طبق میل آنان رفتار کند و مردود دانستن آن از سوی قرآن کریم، حکم دخالت زن در مسؤولیت های اجتماعی شوهر به خوبی روشن خواهد شد؛ زیرا مسؤولیت های اجتماعی همسر ارتباطی به او ندارد و او دارای صلاحیت امر و نهی کردن به شوهر در این موارد نیست. نهایت این نحوه از زن سالاری نکوهیده، در داستان همسر عزیز مصر متجلی شده است. هنگامی که یوسف برای فرار از نافرمانی الهی، از دست آن زن گریخت و او نیز برای گرفتن یوسف به دنبالش روانه شد، و در مقابل در، با حاکم مصر مواجه شدند و آن زن به همسرش گفت:  «ما جَزاءُ مَن أَرادَ بأَهلِکَ سُوءً إلاّ أن یُسجَنَ أو عَذابٌ أَلیمٌ» (یوسف/ 25)  جزای آن که قصد بدی به اهل تو کند، مگر آن که او را به زندان برده یا به عذابی سخت کیفر کنند، چه خواهد بود؟  وی در این جا ضمن متهم ساختن یوسف (علیه السلام) خواستار آن شد که همسرش از موقعیت اجتماعی خود استفاده کرده و یوسف را سخت کیفر کند. همین تهدید را بار دیگر هنگامی مطرح ساخت که زنان مصر را به دربار فرا خوانده بود تا با نشان دادن یوسف به آنان، عشق سرکش خود به او توجیه نماید:  «قالَتْ فَذلِکُنَّ الّذی لُمتُنَّنِی فِیهِ وَ لَقَد راوَدتُهُ عَن نَفسِه فَاستَعصَمَ وَ لَئِن لَم یَفعَل ما أَمُرُه لَیُسجَنَنَّ وَ لَیَکُوناً مِنَ الصّاغِرِینَ» (یوسف/ 32)  این است غلامی که مرا در محبتش ملامت می کردید. آری! من، خود از وی تقاضای مراوده کردم و او عفت ورزید و اگر از این پس خواهش مرا رد کند، البته زندانی و خوار و ذلیل گردد.  این تهدید بیانگر آن است که این زن کاملاً بر همسر خویش تسلط داشته و مطمئن بوده که اگر حتی از او زندانی کردن بی گناهی چون یوسف را هم بخواهد، به خواسته او عمل خواهد کرد.22 هم چنان که این اتفاق افتاد و حاکم مصر سرانجام بنا به تقاضای همسرش، یوسف (علیه السلام) را سال ها زندانی کرد.  **پی نوشت ها:**  1ـ در روایت است که مردی به حضور رسول خدا (صلی الله علیه وآله) رسید و گفت: همسری دارم که هنگام ورود به خانه به استقبالم می آید و چون از خانه خارج می شوم، مرا مشایعت می کند و هر گاه مرا غمگین ببیند، به من می گوید: چه چیز تو را ناراحت کرده است؟ اگر به خاطر روزی اندوهناکی، آن را دیگری متکفل است و اگر نگران آخرت هستی، خداوند همّ و غم تو را زیادتر گرداند. رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: خداوند کارگزارانی دارد و او از کارگزاران خداست. برای او، نصف اجر یک شهید است. (وسایل الشیعه، ج 20، ص 32).  2ـ تفسیر فی ظلال، ج 5، ص 3021.  3ـ «و خذ بیدک ضغثا فاضرب و به لا تحنث» (و دسته ای چوب ترکه به دستت بگیر و با آن بزن و سوگند خود را مشکن). سوره ص/ 44.  4ـ در این که آن عمل چه بوده، اقوال مختلفی مطرح است و از آن جمله این که آن حضرت یکی از همسرانش (ماریه) را بر خود حرام کرد یا خوردن عسل را بر خود ممنوع نمود و یا از پذیرش زنی به نام «ام شریک» که خود را به رسول خدا بخشیده بود، خودداری می کرد.  5ـ تفسیر المیزان، ج 19، ص 522.  6ـ امام باقر (علیه السلام) در مورد خیانت همسر لوط فرموده اند: هنگامی که میهمانان به منزل لوط وارد شدند، به همسرش فرمود: امشب مهمانانی بر من وارد شده اند، پس مراقب باش کسی متوجه نشود. او پذیرفت، ولی طبق قرار قبلی، با روشن کردن آتش روی بام خانه لوط، مردم را از حضور میهمانان در آن منزل آگاه ساخت و مردم از هر سو به طرف منزل لوط روانه شدند. (تفسیر مجمع البیان، ج 4، ص 687).  7ـ روح الله موسوی خمینی، رساله توضیح المسائل، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1372، مسأله 2414.  8ـ امام صادق (علیه السلام) از پدر گرامی اش نقل کرد که حضرت علی و فاطمه (علیهماالسلام) برای تعیین وظایف خود در منزل، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را حکم قرار داده و از آن حضرت کسب تکلیف نمودند. آن جناب نیز فاطمه (علیهاالسلام) را به خدمت در منزل و علی (علیه السلام) را به انجام وظایف خارج از منزل موظف نمود. فاطمه(علیهاالسلام) فرمود: تنها خدا می داند که از این که مأمور انجام مسؤولیت های خانه داری شده و از تصدّی امور بیرون منزل معاف شدم، چقدر خوشحالم. (وسایل الشیعه، ج 20، ص 172) از این که حضرت علی و زهرا (علیهماالسلام) در مورد حدود مسؤولیت های خود، از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نظر خواستند، مشخص می شود که اصل مشارکت زن در خانواده، امری روشن و پذیرفته شده بوده است.  9ـ روایتی از امام صادق نیز مهارت و سرعت آشپزی ساره را تأیید می کند. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، الوفاء، 1403 ق، ج 12، ص 11.  10ـ سرعت او در آشپزی از جمله «فما لبث أن جاء بعجل حنیذ» استفاده شده است.  11ـ محمد رشید رضا، تفسیر القرآن الکریم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت، دار المرفة، ج 12، ص 128.  12ـ سوره ذاریات، آیات 26 تا 29.  13ـ بحارالانوار، ج 12، ص 89.  14ـ تفسیر کبیر، ج 18، ص 21.  15ـ مجمع البیان، ج 5، ص 272.  16ـ تفسیر ابوالفتوح رازی، ج 5، ص 419.  17ـ مراد از عجل سمین، گوساله چاقی است که بریان کرده باشند. (تفسیر المیزان، ج 1، ص 567).  18ـ حجرات/ 13.  19ـ «الرّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللّهُ بَعضهم عَلی بَعض و بِما انفقوا مِن أموالهم...» مردان باید بر زنان مسلط باشند؛ زیرا خداوند بعضی از انسان ها را بر بعضی دیگر برتری بخشیده است و نیز از آن روزی که مردان از اموال خویش (برای زنان) خرج می کنند. (نساء/ 34)  20ـ تفسیر فی ضلال، ج 5، ص 2854.  21ـ تحریم/ 1 و 2.  22ـ تفسیر المنار، ج 12، ص 296. |